

تعدیل قضایی قرارداد در اثر بیماری کرونا با توجه به حقوق ایران و آموزه‌های

فقهی^۱

محمدرضا حافظی قهستانی *

دکتر عباس مقدری امیری **

دکتر عبدالحمید مرتضوی ***

علمی - پژوهشی

چکیده

در عصر حاضر با وجود تکنولوژی پیشرفته، علاوه بر افزایش رفاه اجتماعی گاهی انسان را دستخوش تغییراتی می‌کند. بحران‌های جهانی و طبیعی همیشه علاوه بر مشکلات اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی را نیز دچار آسیب ساخته‌اند. شیوع بیماری کرونا از عواملی است که به یک معضل اقتصادی، اجتماعی و تهدید بین-المللی از سوی سازمان بهداشت جهانی تبدیل شده است. از این رو موجب آسیب فعالیت‌های اقتصادی و افت درآمد در اجتماع گردیده است. تغییر اوضاع و احوال ناشی از همه‌گیری کرونا، سبب دشواری و غیر ممکن شدن اجرای تعهدات قراردادی در بخش‌های مختلف جامعه شده است. بنابراین در این پژوهش ضمن بررسی مفاهیم مربوط به تغییر اوضاع و احوال، قواعد فقهی لازم‌الاجرا، عسر و حرج، اضطرار، عدالت و انصاف به توجیه و امکان تعدیل قضایی قرارداد توسط دادگاه‌ها در شرایط همه‌گیری کرونا با استناد به مواد قانونی ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی و قواعد فقهی با روش تحلیلی توصیفی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: تعدیل قرارداد، تغییر اوضاع و احوال، فورس ماژور، کرونا ویروس.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۱۰/۲۰) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۲/۱۱/۲۰)

* دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
(mr.hafezi@yahoo.com)

** استادیار حقوق خصوصی، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران. (نویسنده مسئول)
(a.moghaddari@gmail.com)

*** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
(amortazavi۹۴@gmail.com)

۱- مقدمه

گسترش ویروس کووید ۱۹ در سطح جهانی که در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان "یک تهدید و نگرانی بین المللی" از آن یاد شد، تمام شئون و جنبه های زندگی معاصرین را متاثر نموده است. در این میان پس از حوزه سلامت، بیشترین حوزه ای که تحت تاثیر کرونا قرار گرفته است؛ حوزه اقتصاد و روابط حقوقی اعم از روابط بین دولت و شهروندان و روابط خصوصی و قراردادی بین شهروندان می باشد. از عوامل اصلی تهدید کننده سلامت انسان ها طی قرون گذشته، بیماری های واگیردار است. پاندمیک^۱ کرونا ویروس تاثیر بسیار زیادی در مرحله اجرای قراردادها یا ایفای تعهدات قراردادی گذاشته است و عملاً اجرای بسیاری از قراردادها را با مشکل روبه رو کرده است و امکان اجرای بسیاری از قراردادهای دیگر را منتفی کرده است. مثل قراردادهای پیمانکاری و حمل و نقل و.... بنابراین هر شخصی قراردادی را منعقد می کند، ملزم به رعایت آن بوده و این یک اصل اساسی در حقوق به نام اصل لزوم قراردادهاست، اما اجرای این اصل همیشگی نیست و در برخی موارد، الزام اجرای قرارداد، برداشته می شود. همانند؛ دشوار شدن اجرای قرارداد، یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال، چرا که برای طرف آسیب دیده، یک حادثه غیر قابل انتظار رخ داده است و باید طوری عمل شود، طرف آسیب دیده از فشار اصل پابندی به قرارداد خارج شده و با اعمال تعدیل منصفانه ضرر دور از انتظار را از بین برد یا کاهش داد. بنابراین یکی از آثار مهم شیوع همه گیری کرونا اخلاقی بود که در اجرای تعهدات قراردادی برخی اشخاص به وجود آمد که بی شک موجب افزایش دعاوی حقوقی بین اشخاص می گردد؛ بنابراین در حل و فصل این دعاوی در شرایط اضطراری نهادهای حقوقی و فقهی ویژه ای نظیر قوه قاهره، انتفاء هدف قرارداد و قاعده فقهی لاضرر و عسر و حرج وجود دارد که باید به طور صحیح و دقیق به کار گرفته شوند. از این رو پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا با استناد به بیماری کرونا ویروس به عنوان فورس ماژور و یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال می توان به تعدیل قضایی قرارداد پرداخت ؟

۲- مفاهیم

۲-۱- مفهوم تغییر اوضاع و احوال

از نظر حقوقی، اوضاع و احوال به مجموع شرایط نوعی یا به اصطلاح غیر ذاتی گفته می شود. که منجر به پیدایش یک عمل حقوقی می شود. به عبارت دیگر؛ اوضاع و احوال به معنای کلیه شرایط غیر ذاتی موجود در زمان وقوع یک عمل حقوقی است که طرفین با در نظر گرفتن شرایط مذکور اقدام به انجام آن می کنند (احمدی و استانی، ۱۳۶۳، ۵۱). این شرایط می تواند اقتصادی، حقوقی،

^۱ pandemic

سیاسی، الکترونیکی، یا فنی باشد. هیچ گاه ثابت، و بدون تغییر نمی‌ماند و ممکن است، مانند هر پدیده‌ی دیگری دستخوش عوامل داخلی و خارجی قرار گیرد. مواردی پیش می‌آید که به دلیل پیچیدگی روابط اجتماعی جوامع امروز و تعدد و کثرت عوامل موثر بر قراردادهای پیش‌بینی همه جوانب امر برای طرفین قرارداد میسر نمی‌باشد و در قراردادهای و تعهداتی که انجام و اجرای آنها زمانی طولانی و مستمر می‌طلبد، در طول گذشت زمان مسائل و حوادثی روی می‌دهد که در زمان قرارداد، قابل پیش‌بینی نبوده یا طرفین قرارداد هر چند با دقت و تلاش قادر به پیش‌بینی آنها نبوده است. بنابراین سیستم حقوقی باید بتواند با توجه به قواعد و مقررات موجود پاسخگوی تنظیم مناسبات موجود باشد، این‌جاست که بحث مهم تعدیل قرارداد توسط قاضی مطرح می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ۸۱). روشن است که اصطلاح “تغییر اوضاع و احوال” در موردی به کار می‌رود که بروز حوادث غیر مترقبه موجب دگرگونی و تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد گردیده و در نتیجه آن اجرای قرارداد مشکل و یا هدفی که از قرارداد مورد نظر بوده است، تغییر نموده و اجرای قرارداد را بیپه‌وده می‌سازد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۳۸).

۲-۲- مفهوم تعدیل در لغت

تعدیل در لغت به معنای “راست کردن، برابر کردن، هم وزن کردن، دو چیز را با هم مساوی کردن” (عمید، ۱۳۸۶، ۶۹۶). “برابر کردن و از روی عدالت چیزی را تقسیم کردن” (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۸۰۳). به کار رفته است. در فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی نیز در مقابل واژه‌ی adjustment مفاهیمی چون “تعدیل، تنظیم، سازگاری، تعدیل” (بنی یعقوب، ۱۳۸۸، ۶۷) میزان کردن، تنظیم، تعدیل، تطبیق دهی” آمده است. همچنین تعدیل به معنای تصحیح، تحدید، تبدیل و اضافه کردن هم استعمال شده است.

۲-۳- مفهوم تعدیل در اصطلاح

در اصطلاح فقه امامیه و حقوق موضوعه واژه تعدیل در چند مورد به کار رفته است :

الف. در بحث شراکت وراثت از تعدیل سهام اسم برده شده است و تعدیل در این فرض عبارت است از : تقسیم کردن چیزی به اعتبار قیمت و منفعت آن، نه به اعتبار مقدار آن. “مثلا در شرایع الاسلام محقق حلی بیان می‌فرمایند: “هر چیزی که در تقسیم بندی آسیب نبیند، کسی را که از جستجو امتناع می‌ورزد، باعث می‌شود “همچنین در کتاب الشریکه آورده است : “شریک آن را تقسیم می‌کند و این با تنظیم و تعدیل سهام و قرعه کشی است “ (محقق حلی، ۱۳۸۳، ۳۸۹)

ب. در تعدیل شهود، یعنی اثبات عادل بودن در فرض جرح شهود (حیدری فرد، ۱۳۹۶، ۳۷).

ج. تعدیل بین زوجات برای تقسیم شبها (حیدری فرد، ۱۳۹۶، ۳۸).
 د. تعدیل در اصطلاح به معنای تجدیدنظر و اصلاح در مواردی که توازن بهم خورده باشد. اصطلاح تعدیل قرارداد به معنای اصلاح پیشین و تغییر در اوضاع و شرایط عوض و معوض است. که با هدف منطبق کردن آن با خواست جدید دو طرف یا ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (الهامی‌نیک، ۱۳۸۴، ۸).

۴-۲- مفهوم تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد، به معنای تصرف در مفاد تراضی و تغییر شروط قراردادی است که با هدف منطبق کردن قرارداد با خواست جدید دو طرف یا ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم، صورت می‌پذیرد. برای تحقق این هدف معمولاً یک یا چند شرط به قرارداد اضافه یا از آن حذف می‌گردد (شفایی، ۱۳۷۶، ۱۴۹). تعدیل قرارداد در واقع مفهومی است که در حقوق کشورهای غربی ایجاد شده است و معمولاً در قراردادهای زمان دار پیش می‌آید که اجرای آن با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال، با سختی همراه باشد. در این شرایط، در حقوق غرب و آمریکا حتی فرانسه، دادگاه‌ها به دلیل اینکه اجرای قرارداد با سختی و دشواری بسیار زیاد مواجه شده است، مجاز هستند به نحوی تعهدات طرفین قرارداد را به حالت اولیه برگردانند. در واقع تعدیل قرارداد، دست بردن در عوضین در حالتی است که تعادل در قرارداد به نحو وسیعی بر هم بخورد (طاهری، ۱۴۸۱، ۲۴۷). همچنین تعدیل قرارداد به معنای برقراری تعادل اقتصادی قرارداد در قراردادهایی است که حوادث پیش‌بینی نشده، موازنه‌ی اقتصادی آن را در زمان اجرای قرارداد تغییر داده است. به نحوی که اجرای آن را برای یکی از طرفین بسیار پرهزینه یا ناچیز و سبک کرده است. (مزارعی، ۱۳۹۳، ۱۱)

۵-۲- مفهوم تعدیل قضایی

تعدیلی که بیشترین مناقشات و اختلاف نظرها در آن است تعدیل قضایی قراردادها است. در تعریف تعدیل قضایی گفته شده است: تعدیل قضایی که در امکان آن گفتگو و تردید فراوان است، به موردی گفته می‌شود که دادرس با استناد به شرایط ضمنی یا جلوگیری از بی عدالتی و ضرر یکی از دو طرف، مفاد قرارداد را تعدیل و متناسب با شرایط می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۷۳). در هر صورت قاضی در صورت بروز اختلاف و اقامه‌ی دعوی ناگزیر از تفسیر قرارداد و اظهارنظر درباره‌ی آن است (صفایی، ۱۳۸۹، ۱۵۷). بنابراین می‌توان گفت، اگر قانون گذار به موجب یک حکم کلی و به عنوان یک قاعده، به قاضی اجازه‌ی تجدیدنظر در قراردادی که تعادل آن بر اثر یک حادثه غیرقابل پیش‌بینی به هم خورده است را بدهد، از نوع تعدیل قضایی است (حسین آبادی، ۱۳۷۷، ۲۰۷).

۶-۲- مفهوم قاعده فورس ماژور

فورس ماژور که اصطلاحی فرانسوی است، با عبارات "قوه قهریه" یا "قوه قاهره" در فارسی معادل سازی شده است. در تعریف این نهاد حقوقی آمده است: "به صورت صریح در قانون تعریفی از قوه قاهره بیان نشده است اما به صورت تلویحی با توجه به مواد ۱۲ ق.م.م، ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. می‌توان چنین گفت که قوه قاهره به معنی عام عبارت است از حادثه‌ای خارجی، غیرقابل پیش بینی و غیرقابل اجتناب که ممکن است علت اصلی بروز خسارت باشد و معافیت از مسئولیت در پی داشته باشد. اگر واقعه زیانبار حادثه‌ای باشد که نتوان آن را به شخص مقابل نسبت داد، قوه قاهره به معنی خاص است (صفایی، ۱۳۹۵، ۲۱۰ - عباسلو، ۱۳۹۴، ۲۱۳). بنابراین رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی و خارج از اراده متعهد قرارداد است که قدرت اجرای قرارداد و عمل به تعهد را از او سلب کند یا موجب معافیت کسی شود که از او زیان به دیگری رسیده است؛ مانند این که زلزله، دستگاه برق کارخانه‌ای را از کار بیاندازد و در نتیجه خسارتی متوجه مصرف کنندگان برق گردد. آن حادثه غیرمترقبه هم گویند" (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ۲۹۶۰).

از مبانی معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق مطرح است و به توجیه قاعده فورس ماژور و تعدیل قرارداد نیز می‌پردازد، قاعده لاضرر، عسر و حرج و اضطرار است. بر اساس این قواعد، هرگاه نتیجه اجرای حکمی، ایجاد مشقت و سختی نامتعارف بر مکلف باشد، بنا به حکم ثانوی ساقط و فرد از اجرای تکلیف معاف می‌شود. توجیه نظریه فورس ماژور یا تعدیل قرارداد بر اساس قواعد فقهی عسر و حرج، لاضرر و اضطرار مستلزم بررسی دقیق مفاد قاعده و کیفیت ارتباط آن با موضوع مورد بحث است که در ذیل مطالب به آن می‌پردازیم.

۳- مبانی تعدیل قضایی قرارداد ناشی از بیماری کرونا در فقه امامیه

در شریعتی که اساس و مبنایش بر آسانی و نفی دشواری است، احکامش بر اصول و قواعدی مانند لاضرر، نفی عسر و حرج، اضطرار و عدالت و انصاف شکل می‌گیرد، بدون گراف می‌توان در قلمرو این شریعت از نظریه عمومی یسر سخن گفت (محقق داماد و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۸، ۱۷).

در صورت بروز ناتوانی مالی یا دشواری شدید در اجرای تعهد برای تبیین تأثیر این تعذر و دشواری به قواعد مذکور استناد شده است. و همچنین به بررسی مبانی تعدیل قضایی قرارداد ناشی از بیماری کرونا در فقه امامیه پرداخته شده است.

۱-۳- قاعده لاضرر

در متن مقررات اسلامی یک سلسله قواعد کنترل کننده بنام قواعد حاکم وجود دارد که بر سراسر احکام و مقررات اسلامی مسلط و حاکم اند قاعده لاضرر از این دست قواعد است. به این معنا که احکام و مقررات اسلامی تا زمانی قابل اجرا است که ضرری را وارد نکنند و در صورت ضرری بودن، حکم ضرری برداشته می شود. حال در صورتی که اجرای تعهد به دلیل ناتوانی مالی و نه به دلیل تعدیل مادی و قانونی، سبب ورود ضرر به یکی از طرفین قرارداد شود می توان به قاعده لاضرر برای تعدیل قرارداد و انفساخ یا فسخ استناد کرد. نظری مشهور در تبیین قاعده لاضرر نفی حکم ضرری است (انصاری، ۱۴۱۴، ۴۱۴/ آخوند خراسانی، ۱۳۶۶، ۳۸۱). این قاعده، به حکم عقل و از حدیث نبوی (ص) “لاضرر و لاضرار فی الاسلام” استنباط شده است. البته در آیات قرآن کریم، مانند: آیات ۲۸۲، ۲۳۱، ۲۳۳ سوره بقره. آیه ۱۲ سوره نساء، نیز ورود هرگونه ضرر به دیگری را نفی می کنند، مطابق این قاعده هیچ ضرر و زیانی نباید بدون جبران باقی بماند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ه.ق، ۲۸-۳۱، محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۳۸-۱۴۸). به منظور تبیین شیوه استناد به قاعده موصوف، به اثبات تعدیل عقود و قراردادهای و تفسیر مفاد این قاعده پرداخته شده است.

۱-۱-۳- نظریه حکم ضرری

مقصود از نفی در قاعده مزبور، نفی احکام ضرری است. طبق این نظریه در روایت، مسبب ذکر شده ولی سبب اراده شده است. به عبارت دیگر، در این تعبیر باید معتقد به نفی حکم ضرری شده و “حکم” را در تقدیر بگیریم. پس هیچ حکمی از سوی شارع وضع نشده است که موجب زیان بندگان شود. در نتیجه اگر حکمی از سوی شارع صادر گردیده باشد که مستلزم ضرر بندگان باشد یا اجرای آن باعث ضرر گردد، طبق قاعده لاضرر منتفی می شود (انصاری، ۱۴۲۰، ۳۷۲).

۲-۱-۳- نظریه ضرری به وسیله نفی موضوع ضرری

مفاد قاعده، نفی حکم به لسان نفی موضوع است. مرحوم آخوند (ره) در کفایه نظر داده است که در این قاعده از راه نفی موضوع، حکم ضرری از بین رفته است. منظور شارع این بوده است که برای موضوع ضرری، حکمی وجود ندارد؛ چنانچه در معامله غبنی، به دلیل اینکه موضوع ضرری است، حکم از بین می رود (آخوند خراسانی، ۱۳۶۶، ۷۲).

۳-۱-۳- نظریه نفی ضرر جبران شده (غیرمتدارک)

منظور از نفی ضرر، نفی ضرر جبران نشده است. در این دیدگاه "لا" به معنی نفی جنس به کار رفته؛ در نتیجه طبق این دیدگاه هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند.

۴-۱-۳- نفی از وارد کردن ضرر به دیگران

مقصود از نفی ضرر در این قاعده، بر خلاف اصل اولیه، نفی جنس نیست؛ بلکه مقصود شارع، نهی از ضرر رساندن به دیگران بوده است (محقق داماد، ۱۳۷۰، ۱۴۵). در میان دیدگاه‌های بیان شده، نظر شیخ انصاری مبنی بر نفی حکم ضرری، بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. به علاوه، بسیاری از آنان که به بحث از این قاعده پرداخته‌اند؛ بر این نکته تاکید کرده‌اند که قاعده مزبور اختصاص به احکام تکلیفی نداشته و احکام وضعی را هم در بر می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۵۳). بنابراین در اجرای قاعده مذکور، حکم لزوم پابندی به مفاد قرارداد از بین نمی‌رود؛ "به این ترتیب، مستنبط از قاعده لاضرر در مواردی که رویدادی نامنتظر و غیر مترقبه تعادل قراردادی را برهم زده و اجرای تعهد را برای یکی از طرفین و به طور عمده متعهد، ضرری نماید حکم ضرری برداشته می‌شود. لذا ضرر ناشی از بروز حوادث و تغییر در اوضاع و احوال زمان عقد، ضرری نیست که طرفین به هنگام عقد به آن ملتزم شده باشند و در نتیجه ضرری ناروا تلقی می‌گردد" (صادقی مقدم، ۱۳۷۶، ۱۳۵).

در مواردی که با به وجود آمدن وقایع و حوادثی که موجب ناتوانی مالی متعهد در انجام تعهد شوند، می‌توان حکم ضرری پای‌بندی به تعهد با وضعیت موجود را نفی کرد و لزوم عقد را منتفی دانست، اما باید توجه داشت که تعدیل قرارداد، صرفاً نفی حکم ضرری نیست، بلکه نفی حکم ضرری و اثبات حکم دیگری است. از این نکته نیز نباید غفلت کرد که گاهی نفی ضرر صرفاً از طریق نفی حکم لزوم قرارداد و پای‌بندی به آن حاصل نمی‌شود، بلکه نفی حکم لزوم خود منجر به ورود ضرر به هر یک از طرفین می‌شود. در این وضعیت رفع حکم ضرری تنها با فسخ قرارداد حاصل نمی‌شود، بلکه فسخ، خود سبب ورود ضررهایی به طرفین می‌شود. پس لازمه نفی حکم ضرری، تعدیل قرارداد است و تنها با پذیرش تعدیل قرارداد ضرر منتفی می‌شود. بنابراین دگرگونی اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد در زمان اجرای آن از مواردی است که سبب ورود زیان به یکی از طرفین قرارداد می‌گردد. این قاعده را می‌توان در اثبات رفع لزوم عقدی که به واسطه‌ی وقوع رویدادی غیرمنتظره ضرر شده است؛ مورد استناد قرار داد (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۳۱). در خصوص بیماری کرونا نیز می‌توان با استناد به این قاعده لاضرر بیان کرد که چنانچه این بیماری مسری باعث تحمیل هزینه‌های اضافی به متعهدین برای اجرای تعهدات خود شود؛ با تمسک به این قاعده می‌توان حکم اولیه لزوم عقد را رفع نمود.

۲-۳- قاعده عسر و حرج

قاعده نفی عسر و حرج نیز از جمله قواعد کنترل‌کننده و مسلط به سراسر مقررات اسلامی است. مطابق این قاعده هر حکم واجب یا قانونی که تحمل آن برای انسان سخت است مادام که آن حرج و سختی باقی است از مکلف رفع می‌گردد. هر گاه دیگر سختی نبود وجوب حکم نیز باز می‌گردد (انصاری، ۱۴۲۰، ۳۷۳). این در صورتی است که عسر و حرج به حدی نباشد که سبب شود انجام تعهد خارج از توان و طاقت مالی متعهد باشد. این دیدگاه مبتنی بر آیات قرآنی و روایات، حکم عقل و بنای عقلا قابل توجیه است. معنای این قاعده که از عناوین ثابویه است، در تمام ابواب فقه از جمله عبادات، معاملات و سیاسات جاری است. مستندات قاعده فوق به شرح ذیل است :

۱-۲-۳- کتاب

شامل آیات ۷۸ سوره حج "و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و نفس اماره) به جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بکوشید) او شما را برگزیده (به دین خود سرافراز کرده) و در مقام تکلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده است" آیه ۲۸۶ سوره بقره "خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند" و آیات دیگری از جمله ۱۸۵ سوره بقره " که خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته است". در تمامی آیات فوق الذکر خداوند رحمان می‌فرماید : هیچ حکمی در اسلام نیست که موجب عسر و حرج اشخاص باشد و کلیه احکامی که چنین خاصیتی دارند نفی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۸۵ سوره بقره می‌فرماید : تمام حق خدا بر بنده این است که سمع و طاعت داشته باشد و معلوم است که انسان تنها در پاسخ فرمانی می‌گوید «طاعه» که اعضا و جوارحش بتوانند آن را انجام دهند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۶۸۴).

۲-۲-۳- سنت

روایات متعددی از معصومین (ع) دلالت بر نفی احکام حرجی دارد. امام جعفر صادق (ع) به نقل از رسول اکرم (ص) می‌فرماید : "اگر خداوند متعال پیامبری را فرستاد، به او گفت، در دین خود اجتهاد کن و هیچ مشقتی بر تو نیست و خداوند متعال به امت من بخشش کرده است که وقتی می‌فرماید در دین برای شما هیچ سختی نگذاشته است". حدیث رفع نیز با عبارت "ما لا یطیقون" به معنای آن چه را که توانایی انجام دادنش را ندارند، را از عهده امت برداشته است.

۳-۲-۳- عقل

بنای عقلا نیز قائم به عدم تجویز تشریح احکام حرجیه در تمامی ابعاد است و شارع مقدس که

خود رئیس عقلاست نمی‌تواند تخطی از یک سیره مسلم عقلایی بکند. به تعبیری دیگر، عقل حکم به عدم تجویز امر حرجی می‌کند (لا ینبیغی فعله) و شارع مقدس، پس از کشف این مطلب که در متعلق حکم حرجی، مفسده وجود دارد، قهراً آن حکم را فاقد ملاک و بنابراین مرفوع اعلام می‌کند. آیات شریفه و روایات وارده هم مؤید این معنی است. البته مبنا بر منافات این دلیل و اعتبار امتنانی بودن جریان قاعده جای مناقشه است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲، ۲۷۴)

۴-۲-۳- اجماع

اجماع فقها که برگرفته از سنت معصومان است، نیز بر نفی احکامی قرار گرفته است که موجب عسر و حرج مکلف می‌شوند. بر مبنای نظر دیگر، ادعای اجماع بر عدم جواز جعل حکم حرجی مقبول نیست، زیرا دلیل اجماع کنندگان در واقع آیات و روایات مربوط است و از سوی دیگر نظر به اینکه اکثر علما به این مساله اشاره نکرده‌اند؛ ادعای استقرار چنین اجماعی مورد تردید است. (محقق داماد، ۱۳۷۰، ۶۹). خداوند در این دین که عبارت از مجموع احکام متعلق به احکام مکلفین است یا موضوعات خارجی همانند احکام وضعی ولایت، حریت و زوجیت و امثال آن حکمی وضع نکرده است که باعث حرج و ضیق باشد.

بنابراین علاوه بر پذیرش حق فسخ برای طرفی که به مشقت و حرج افتاده‌است، حکم تعلیق و تعدیل قرارداد نیز در راستای نفی حرج و مشقت قابل پذیرش است. بدیهی است در مواردی که با حکم تعلیق اجرای قرارداد مشقت برطرف می‌شود، قرارداد همچنان به وجود خود ادامه می‌دهد. اما اجرای آن معلق می‌شود تا با دادن مهلت به متعهد اجرای قرارداد میسر شود. آیه شریفه «وان کان ذو عسره فنظره الی میسر» نیز می‌تواند این امر را توجیه کند، این آیه در ادامه حکم ربا آمده و بعد از منع ربا دستور داده‌است که اگر مدیون معسر باشد به او مهلت داده شود تا زمانی که ایسار بر وی حاصل شود؛ نه اینکه دیر کرد از او اخذ شود (محقق داماد و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۸، ۲۳۸) در صورتی که تعلیق برای رفع حرج و مشقت کافی نباشد می‌توان تعدیل قرارداد را نیز مورد توجه قرار داد. در نتیجه قلمرو قاعده عسر و حرج بسیار گسترده بوده و گستره‌ی آن شامل تمام احکام است. لذا نه تنها در حقوق و تعهدات قابل اعمال است، بلکه در هرجایی که حکم الزامی مکلف را دچار مشقت کند با استناد به قاعده، حکم لزوم آن از بین می‌رود. (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۳۱) بنابر آنچه بیان شد از آنجایی که ویروس کرونا و مخاطرات آن سبب ایجاد مشقت و دشواری و برهم خوردن اقتصاد در سراسر جهان گشته، می‌تواند مصداقی از عسر و حرج باشد، و سبب تعدیل قراردادها گردد.

۴-۳- قاعده اضطرار

اضطراب مصدر باب افتعال و از ماده ضر به فتح یا ضم است. و به معنای زیان دیدگی است؛ و با ضم اول به معنای فقر، فاقد، تنگدستی، سختی و سوء حال است؛ اعم از اینکه باطنی و معنوی باشد یا ظاهری و دارای آثار مشهود در اعضاء و جوارح (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۲۴). این حالت معمولاً بر اثر خطری شدید ایجاد می‌شود که برای جان یا حق فرد پیش می‌آید. چنانچه خداوند در آیه ۸۳ سوره انبیاء از بیماری حضرت ایوب به ضر تعبیر کرده است و از زبان ایشان فرموده است "مرا سختی و گزند رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی پس او را اجابت کردیم". از دیدگاه فقها اضطراب آن است که صبر بر آن ممکن نباشد؛ مانند : گرسنگی، بیماری و...؛ و مضطر کسی است که از تلف خویش بیم داشته باشد. مستندات قاعده فوق به شرح ذیل است :

۱-۳-۳- قرآن

آیات متعددی در قرآن هستند که می‌توانند دلیل بر این قاعده باشد، از جمله :

الف. آیه ۱۷۳ سوره بقره : خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد)، خداوند بخشنده و مهربان است.

ب. آیه ۷۸ سوره حج : «... خداوند، بر شما در کار دین، هیچ سختی و دشواری ننهاده است...». همان‌طور که مشاهده می‌شود این آیه علاوه بر جواز ارتکاب حرام، ترک واجب را نیز در حال اضطراب جایز می‌شمارد؛ زیرا ملاک، وجود حرج و مشقت است، خواه منشا آن ترک حرام باشد و یا وجوب انجام واجب.

۲-۳-۳- روایات

الف. در حدیثی صحیح از ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل شده است : «هیچ حرامی نیست مگر این که خداوند در صورت اضطراب آن را حلال کرده است». (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱۷۷) دلالت این حدیث بر این قاعده فقهی روشن و تمام است و اطلاق آن، هم حرمت وضعی و هم حرمت تکلیفی را در بر می‌گیرد، و از طرف دیگر «شیء» نکره در سیاق نفی است که دلالت بر عموم دارد و شامل تمامی محرمات می‌گردد.

ب. امام باقر (ع) فرمود : «تقیه در هر چیزی می‌تواند باشد، هر چیزی که آدمی به آن مضطر شود، خداوند آن را برای او حلال کرده است». این حدیث نیز که از چند طریق از امام باقر (ع) نقل

شده، دارای سندی معتبر بوده است.

۳-۳-۳- عقل

اضطراب قاعده عقلی است و خارج از ضوابط و مستندات شرعی، از سوی ملل و اقوام مختلف نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در حقوق غرب با تکیه بر حقوق روم، قاعده‌ی «ضرورت قانون نمی‌شناسد» همواره مورد استناد بوده است. حقوق‌دانان مسلمان و غیرمسلمان نیز ضمن استناد به ادله‌ی نقلی و شرعی، عقلانی بودن اصل قاعده‌ی اضطراب را مورد تأیید و اذعان قرار داده‌اند. توجیهاتی که حقوق‌دانان مسلمان و غیرمسلمان از رفع مسئولیت در حالت اضطراب به عمل آورده‌اند نشان از عقلانی بودن مسأله است. این حقوق‌دانان رفع مسئولیت در اثر اضطراب با تکیه بر جهاتی همچون اجبار معنوی، نفع اجتماعی، عدم سوءنیت، لزوم همبستگی و تعاون اجتماعی و بالاخره تعارض منافع توجیه کرده‌اند. این‌ها خود توجیه و تحلیل عقلی هستند و اصولاً قاعده‌ی ضرورات تبیح المحضورات مفاد یک حکم عقلی است؛ گرچه این عبارت در منابع فقهی موجود نیست (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۳۶-۱۳۷). بنابراین از مستندات قاعده اضطراب چنین استفاده می‌شود که رویکرد این قاعده، امتنانی است، که جهت آسان شدن مسیر زندگی انسان‌ها قرار داده شده است؛ در نتیجه شرایط به وجود آمده در اثر شیوع بیماری کرونا، میتواند مصداقی برای سختی اجرای تعهدات در قراردادهای باشد.

۳-۳-۴- تفاوت اضطراب با عسر و حرج

عسر و حرج مفهومی گسترده دارد و سایر واژه‌های مشابه را در بر می‌گیرد. به همین جهت، قواعد فقهی اضطراب و ضرر زیرمجموعه‌ی قاعده عسر و حرج خواهند بود. تفاوت عسر و حرج با اضطراب در این است که قاعده نفی عسر و حرج می‌گوید: هر حکمی که از قبل آن عسر و حرج لازم آید از حیطة تشریع مرفوع است و در این صورت فرقی نمی‌کند که حکم تحریمی باشد یا ایجابی. اما ادله اضطراب می‌گوید: اعمالی که شخص از روی ضرورت و اضطراب انجام می‌دهد در صورتی که از نظر شرع و قانون ممنوع باشد، مسئول آن نیست. به این معنا که حکم تکلیفی برداشته می‌شود، اما حکم وضعی برداشته نمی‌شود.

در بحران ناشی از شیوع بیماری کرونا در سراسر ایران و جهان لطمه گسترده‌ای به اقتصاد به ویژه به فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و تجاری ایجاد نموده است. طبیعتاً این امر اثرات حقوقی از جمله ایجاد اختلاف در روابط قراردادی اشخاص، افزایش پرونده‌ها در محاکم دادگستری، تحمیل هزینه‌های گزاف به طرفین، عدم اجرای تعهدات و قراردادهای در سر وعده و اختلافات عدیده در سطح

جوامع می‌گردد. در این حالت قضات می‌توانند با استناد به قواعد فقهی از جمله قاعده اضطرار به دلیل ایجاد وضعیت خاصی که بر مبنای آن طرفین توان اجرای تعهدات خود را ندارند و عسر و حرج به واسطه اینکه انجام تعهدات حداقل به یکی از طرفین زیان وارد می‌کند، حکم به تعدیل قرارداد دهند.

۴-۳- قاعده عدالت و انصاف

قاعده عدالت بدین صورت تعریف می‌شود؛ آنچه خلاف عدالت و انصاف است از صحنه تشریع مرفوع است. همان‌طور که در قاعده لاضرر یا لاجرح، احکام ضرری یا احکام حرجی را می‌گفتیم که از صحنه تشریع مرفوع است، در اینجا هم احکام ناعادلانه از صحنه تشریع مرفوع است. البته با این تفاوت که قاعده عدالت جنبه عام‌تری نسبت به آن دو قاعده دیگر دارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲، ۳۰۱) همچنین در قرآن و روایات بیان شده؛ در سوره نحل آیه ۹۰، خداوند می‌فرماید: «همانا خداوند سبحان فرمان به عدل و احسان می‌دهد». در برخی روایات نیز، عدل به معنای انصاف آمده است. در مفردات راغب اصفهانی پیرامون این واژه آمده است؛ عدالت لفظی است که معنی مساوات را اقتضاء و به اعتبار اضافه و نسبت، استعمال می‌شود. همچنین علامه طباطبائی، می‌فرماید: عدالت میانه روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲، ۳۰۴ و ۳۰۳). انصاف در معاملات، اجرای عدالت است که طرفین معامله از یکدیگر صرفاً همان سودی را بستانند که به دیگری می‌دهند و تنها به همان میزان که ضرر کرده‌اند، به او ضرر برسانند.

در برخی متون اسلامی آورده‌اند، انصاف ورزیدن، تحصیل حقوق واجب و بدست آوردن آن با دستان عادل است. در تعبیر دیگری آمده است، انسان مساوات و برابری بین خود و دیگران و برتری ندادن خود بر دیگری در چیزی است (مازندرانی، ۱۴۲۱، ۳۱۲). در سخن قابل‌تأمل دیگری در تبیین مفهوم انصاف آمده است، انصاف آنست که به دیگری همان حقی را اعطا کنی که اگر جای او بودی و دوست داشتی، آن را دریافت کنی و این امر در گفتار و کردار، خشم و رضا، با کسانی که دوست داریم و بیزاریم، اجرا شود.

زمانی که طرفین قرارداد با ارزیابی و سنجش سود و زیان خود و میزان تعهداتی که باید برعهده گیرند، تصمیم به انعقاد قراردادی داشتند و در نتیجه آن به سود متعارف موردنظر خود دست پیدا کنند، در صورتی که پس از انعقاد قرارداد اوضاع و احوال زمان انعقاد به دلیل وقوع رویداد خارجی به شدت دچار تغییر شده و در نتیجه سنجش و ارزیابی اولیه مورد نظر آنان سخت دچار تغییر و تحول گردد و این امر سبب شود یکی از طرفین بیش از اندازه سود و دیگری ضرر هنگفتی متحمل شود، اصل

انصاف و حسن‌نیت، پای‌بندی به استمرار و الزام عمل حقوقی مزبور را بر نمی‌تابد و به طرف متضرر اجازه می‌دهد از قرارداد خارج شود. همچنین اصل مزبور به قاضی اجازه می‌دهد با تعلیق یا تعدیل قرارداد از زیان وارده و متضرر جلوگیری کند. قابل توجه آن که اگر انصاف را مرتبه‌اعلای عدالت بدانیم، اجرای قاعده انصاف به مثابه اعمال اصل عدالت نیز خواهد بود. بنابراین عدالت تشریعی چنین بیان می‌کند، که پایه احکام اسلامی بر عدالت استوار است و حکم غیرمنصفانه در آن جاری نخواهد شد. پس این همان معنای رفع احکام غیرمنصفانه از صحنه تشریع است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲، ۳۰۹). این قاعده در جایگاه یآوری برای عدالت است و هدف آن چیزی جز هرچه بهتر و عادلانه شدن قواعد نیست؛ اما از آنجا که قواعد مبتنی بر عدالت در حالت کلی وضع شده‌اند؛ و در مواردی مانند شیوع بیماری کرونا، شاید عمل به آن‌ها نیز عادلانه نباشد، لذا با اعمال قاعده انصاف و با درنظر گرفتن اوضاع و شرایط، عدالت در معنای واقعی خود اعمال خواهد شد.

۴- فورس‌ماژور و بیماری کرونا

آنچه امروز به عنوان یک نهاد حقوقی و قانونی به حمایت از قراردادهای و روابط تجاری می‌پردازد، نهاد حقوقی فورس‌ماژور است. فورس‌ماژور به معنای عام خود، فارغ از تعاریف حقوقی، هر حادثه‌ای است که حتماً خارجی بوده و نیز خارج از حیطه قدرت متعهد باشد؛ غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب باشد و مانع از اجرای تعهد شود. فورس‌ماژور، استثنایی بر اصل لزوم وفای به تعهد یا حاکمیت اراده طرفین است و در حقیقت زمانی اعمال می‌شود که شرایط حال اجرای قرارداد با شرایط زمان انعقاد قرارداد تفاوت‌های ملموس و قابل‌توجهی داشته و این شرایط در زمان انعقاد قرارداد وجود نداشته است. در ایران به طور کلی معمولاً حوادثی مانند: سیل، زلزله و حوادث طبیعی را به عنوان قوه‌قاهره و فورس‌ماژور در نظر می‌گیرند. همچنین جنگ اعلام‌شده یا نشده، جنگ داخلی، دزدی دریایی، انقلاب، خرابکاری، بلایای طبیعی از قبیل طوفان‌های سهمگین، گردبادها، زمین‌لرزه، جزر و مد، انفجار، آتش‌سوزی، خرابی ماشین‌آلات کارخانجات، تحریم‌ها از مصادیق فورس‌ماژور است.

۱-۴- حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی و خارج از اراده طرفین باشد.

حادثه‌ای که به عنوان فورس‌ماژور مطرح است، باید در زمان انعقاد قرارداد غیرقابل پیش‌بینی و خارج از اراده طرفین باشد. متعاقبین در زمان انعقاد عقد بایستی با سنجش اوضاع و احوال و آینده نگرانی حوادث قابل پیش‌بینی را مورد توجه قرارداده و متناسب با تحولات محتمل نسبت به انعقاد عقد اقدام کنند، مسئولیت عدم توجه و بی‌اطلاعی متعهد به عهده دیگران نیست. ملاک و ضابطه در قابلیت پیش‌بینی تشخیص عرف است و اگر به طور متعارف امری غیرقابل پیش‌بینی بوده است،

می‌تواند سبب معافیت متعهد به شمار آید. به عبارت دیگر غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه نیز نوعی است و اصولاً هیچ انسان متعارف در شرایط عادی و معمولی وقوع آن را ندهد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۴۰)، یعنی متعهد موظف است تدابیر احتیاطی را برای اجتناب از آن اتخاذ کند.

به طور کلی، شیوع کرونا ویروس دو جنبه دارد که هر یک می‌توانند به مثابه فورس مازور به شمار آیند: اول خود ویروس دوم، اقدامات دولت‌ها در اعمال محدودیت‌های مختلف به منظور مقابله با بیماری. اگر اجرای قرارداد مستقیماً تحت تأثیر اقدامات مذکور دولت قرار بگیرد، فارغ از نوع اقدام دولت یا مکان اجرای قرارداد، معمولاً این وضعیت، فورس مازور محسوب می‌شود. خارج از اراده مدیون بودن بدین معناست که نتوان حادثه را به عمد یا به تقصیر به او نسبت داد که در این صورت کرونا ویروس هم خارج از اراده طرفین می‌باشد.

۲-۴- حادثه باید خارجی باشد.

ماده ۲۷۷ ق.م.لزم می‌بیند که ثابت شود "عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود". پس، اگر متعهد خود مانع اجرای تعهد را فراهم آورد (مانند اینکه کارگران را تحریک و تشویق به اعتصاب کند) یا تقصیری مرتکب شود که ناخواسته با مانع روبه‌رو شود (مانند اینکه در حمل کالا چندان تأخیر کند که فصل طوفان‌های موسمی فرا رسد). بی‌گمان از مسئولیت او نمی‌رهد، چرا که عدم انجام تعهد مربوط به او است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۸۳). در مواردی که موانع خارجی و مقاومت ناپذیر اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد، متعهد از اجرای آن و جبران خساراتی که به طرف او می‌رسد معاف می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۷۹). در این خصوص انسان متعارف در هر شرایط، داوری خاص دارد و همین صلاحیت در جهان حقوق مبنای توانایی پیش‌بینی است. پس، باید گفت: "حادثه‌ای نامنتظر است که در دید عرف هیچ اماره خاصی بر وقوع آن وجود نداشته باشد" (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۹۶). کرونا نیز به صورت ناگهانی به وجود آمده است و همچنین خارجی می‌باشد.

۳-۴- حادثه باید غیرقابل دفع و غیر قابل اجتناب باشد.

یکی دیگر از شرایط لازم برای تعدیل قرارداد به استناد نظریه عدم پیش‌بینی، آن است که حادثه غیرقابل اجتناب باشد. بر این اساس، اگر حادثه قابل پیش‌بینی نبوده اما در هر حال متعهد می‌توانسته از آن پیش‌گیری کند و در این رابطه کوتاهی کرده، امکان تعدیل قرارداد وجود ندارد. همچنین، اگر شخص علی‌رغم امکان جلوگیری از حادثه، به مقابله با آن نپردازد و در این راه سعی و تلاش خود را به کار نگیرد، نمی‌تواند مستحق دریافت تخفیف نسبت به تعهدات قراردادی خود باشد.

یکی دیگر از مسائلی که در شرایط تحقق اعمال نظریه تغییر اوضاع و احوال و یا نظریات مشابهی که در نظام‌های مختلف حقوقی مطرح است، موثر می‌باشد، غیر قابل دفع بودن حادثه‌ای است که منجر به تغییر اوضاع و احوال و دشواری و یا غیر ممکن شدن اجرای تعهد می‌شود. ماده ۲۲۹ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن از خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود.» بنا بر صراحت ماده مذکور حادثه‌ای می‌تواند موجب معافیت متعهد می‌شود که خارج از حیطه اختیار وی باشد. چنانچه متعهد از کلیه توان معقول خود برای جلوگیری از حادثه‌ای که ممکن است به غیر ممکن شدن اجرای تعهد منجر شود کمک گرفت و نتوانست حادثه مذکور را دفع نماید، می‌تواند به ماده مذکور استناد و از پرداخت خسارت معاف شود. این امر در ماده ۳۸۶ قانون تجارت نیز به نحو دیگری بیان شده است. در قسمتی از این ماده مذکور آمده است که: «... یا مربوط به حوادثی که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید...» (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۶۱)

بنابراین با توجه به حصول شرایط فوق و اینکه از جمله موارد فورس مازور بلایای فراگیر است؛ مانند بیماری‌های مسری جهانی که می‌توان بیماری کووید ۱۹ جز مصادیق فورس مازور شمرد. همچنین در حقوق ایران حتی اگر در قرارداد «فورس مازور» تصریح نشده باشد، ماده ۲۲۹ قانون مدنی برای کلیه تعهدات، یک پیش‌بینی غیرقراردادی مطرح کرده و می‌گوید اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که رفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست، نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود؛ ذکر این نکته نیز ضروری است که در نظریه‌های مختلف از قبیل فورس مازور، ممکن شدن اجرای قرارداد، عقیم شدن قرارداد، حوادث پیش‌بینی نشده، نوع حوادث و وقایع مورد نظر نیستند بلکه ویژگی این حوادث و تأثیری که بر قرارداد می‌گذارند و پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی آن توسط متعاقدين است که مورد توجه می‌باشند. آنچه مهم و تعیین کننده است، میزان تأثیری است که هرکدام از این حوادث بر روی قرارداد می‌گذارند (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۴۷). بنابراین اینگونه نیست که ما فقط فورس مازور را به مواردی که در قرارداد آمده است، محدود کنیم. در بسیاری از موارد علی رغم اینکه ما در قرارداد چنین نکته‌ای را نداریم، باز هم می‌توانیم از آثار فورس مازور بهره ببریم.

۵- تعدیل قضایی قرارداد ناشی از بیماری کرونا در حقوق موضوعه

در قانون مدنی ایران ماده صریحی که نظریه عدم پیش‌بینی را پذیرفته باشد؛ وجود ندارد. قوانین خاص به مناسبت‌های مختلف، تجدیدنظر در قرارداد را مورد تأیید قرار داده است. ولی در دو ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ احکامی وجود دارد که اوصاف سبب معاف کننده متعهد را معین می‌کند. به موجب ماده ۲۲۷ ق.م «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت می‌شود که

نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود". همچنین در ماده ۲۲۹ ق.م نیز آمده است: "اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تادیه خسارت نخواهد بود"

مواد فوق مربوط به مواردی است که پس از بررسی وضعیت متعهد، دادرس به این نتیجه می‌رسد که اجبار متعهد به پرداخت دین در موعد مقرر وی را دچار ضیق و فشار می‌نماید و وضعیت متعهد به نحوی است که الزام وی به انجام تعهد در موعد مقرر، متناسب با وضعیت و قدرت مالی او نیست (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۱۶۰). همچنین حکم دادگاه بر مبنای ماده ۲۷۷ را نباید با حکم اعسار اشتباه کرد. پس از صدور قرارداد اقساط نیز دادگاه به وضع مالی مدیون و اعسار او رسیدگی می‌کند ولی مبنای تصمیم دادگاه تنها ناتوانی مادی در تادیه نیست. چیزی برتر و شکننده تر از آن یعنی رعایت عدالت و انصاف است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۵۶). پس باید گفت دو ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ ق.م. دو بخش از یک حکم و مکمل یکدیگر هستند و از جمع آن دو باید اوصاف "قوه قاهره" را، به عنوان نمادی از سبب معاف کننده، استنباط کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۱۸۲). بنابراین در صورتی که ثابت شود زیان مورد درخواست در نتیجه قوه قاهره (مانند سیل، زلزله، جنگ و...) به بار آمده است، خوانده دعوی از مسئولیت معاف می‌شود، هرچند که مسئولیت او به موجب قانون مفروض است. زیرا، معلوم می‌شود که او در ایجاد ضرر دخالت نداشته است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۴۸۰).

با توجه به مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران، می‌توان گسترش کرونا را از مصادیق «قوه قاهره» یا «فورس مازور» دانست. البته این امر در جایی است که با بررسی قضائی مشخص شود شیوع بیماری، مانع از انجام تعهدات قراردادی شده و متعهد با وجود چنین شرایطی توان اجرای تعهدات قراردادی را نداشته است.

فورس مازور یا قوه قاهره، گرچه به این عنوان یا عناوین دیگر، به طور ویژه در قانون مدنی یا سایر قوانین ایران مورد بحث قرار نگرفته است، با این همه هیچ تردیدی در پذیرش آن به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهد وجود ندارد. به علاوه، مواد پراکنده‌ای نشانگر پذیرش این نهاد به عنوان عامل معافیت از مسئولیت هستند. از جهت اثر حقوقی، نتیجه فورس مازور، سقوط تعهد یا تعلیق اجرای آن بنا به دائمی یا موقت بودن حادثه است، در حالی که اثر حقوقی حادثه در عدم پیش بینی تعدیل قرارداد است. علی رغم فقدان موادی مبنی بر پذیرش صریح فورس مازور و اثر حقوقی آن، با توجه به مواد گوناگون و فراوانی که نتیجه فورس مازور را به همراه دارند، تردیدی در پذیرش آن از سوی قانونگذار ایران وجود ندارد (بیگدلی، ۱۳۹۴، ۷۰-۷۲).

علاوه بر این احیاء حقوق عامه به عنوان یکی از وظایف قوه قضاییه در اصل ۱۵۶ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و از آنجایی که بهداشت عمومی از جمله مصادیق حقوق عامه محسوب

می‌شود، باید شرایطی فراهم گردد تا دادستان اقدامات تأمینی متناسب با وضعیت خاص دوران اضطراری مثل وضعیت پیش آمده ناشی از کرونا را انجام دهد. بنابراین با توجه به اینکه بخش عمده-ای از کسب و کارها برای کاهش سطح ابتلای شهروندان توسط نهادهای بهداشتی دولت منع گردیده و از طرفی به دلیل وجود موانع قانونی انحلال و فسخ قرارداد در این وضعیت ایام توجیهی ندارد. علاوه بر این فقها و مراجع عالی قدر در خصوص تعدیل قضایی قراردادها توسط قضات در محاکم اسلامی برای جلوگیری از ورود ضرر و زیان، که اگر تغییرات و نوسانات اقتصادی و افزایش قیمت‌ها موجب برهم خوردن تعادل و توازن اقتصادی در قراردادها شود، بیان داشته‌اند:

۱. "لازم است قضات در این گونه موارد تعدیل نمایند تا هیچ یک از طرفین گرفتار ضرر و زیان فوق العاده نشوند" (آیت الله العظمی مکارم شیرازی - به شماره ۶۴۷۵۴۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۵).

۲. "اگر قرارداد در حالی منعقد شود که بر اثر یک سلسله پیش آمد غیرمترقبه اوضاع اقتصادی به هم بخورد به گونه ای که اجرای قرارداد برای مجری زیان فراوانی داشته باشد، در این صورت، شامل قرارداد منعقد نمی شود و به اصطلاح از این اوضاع انصراف دارد" (آیت الله العظمی سبحانی - به شماره ۱۲۸۴۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۵).

۳. "چنانچه شرایط اقتصادی غیر طبیعی حاصل شود، به گونه‌ای که نوسانات اقتصادی غیر طبیعی ایجاد شود حاکم شرع می تواند بر اساس مصلحت عامه قرارداد را اصلاح کند به گونه ای که طرفین ضرر نکرده و موافق عدالت باشد" (آیت الله العظمی علوی گرگانی - به شماره ثبت ۱۵۰۶۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۳۰).

همچنین با توجه به دستورالعمل صادر شده از سوی دولت مبنی بر آغاز محدود مشاغل و فعالیت‌های تولیدی احراز عنوان قوه قاهره در مورد کرونا، چندان هم قطعی نیست و از این نظر متعهدین قراردادی باید احتیاط‌های حقوقی لازم را مراعات نمایند. گفتنی است در نظام حقوقی ایران، متعهد است که باید اثبات نماید بواسطه وجود شرایطی غیر قابل پیش‌بینی و خارج از توان او، اجرای قرارداد غیرممکن شده و یا با تعویق همراه شده است. اگر اثبات شود عدم اجرای قرارداد بواسطه گسترش کرونا بوده، و شرایط تحقق فورس مازور وجود داشته است، عدم اجرای قرارداد یا تأخیر در اجرای آن به معنی نقض تعهد و پیمان شکنی نخواهد بود. متعهد با اثبات این امر مسئولیتی برای جبران خسارات وارد آمده به طرف دیگر عقد را نخواهد داشت؛ زیرا عدم اجرای تعهدات قراردادی و یا تسلیم موضوع عقد در موعد مقرر، بواسطه اهمال و یا منتسب به اراده او نبوده است (ماده ۲۲۷ قانون مدنی). بدیهی است معافیت از اجرای تعهدات تا زمانی است که وجود بیماری مانع از اجرای تعهدات

قراردادی شده است و بلافاصله بعد از عادی شدن شرایط و یا ایجاد امکان اجرای عقد، هر نوع تأخیر و امتناع از اجرای تعهد به مسئولیت قراردادی شخص منجر خواهد شد.

۶- بحث و نتیجه گیری

کرونا ویروس به عنوان یک همه‌گیری جمعی، به یک پدیده جهانی تبدیل شده است. نقش افراد در جلوگیری از شیوع این ویروس بسیار چشم گیر است. شیوع ویروس کرونا اجرای بسیاری از قراردادها را با مشکل رو به رو کرده است و امکان اجرای بسیاری از قراردادها را نیز منتفی نموده است. با توجه به خلاء های قانونی در خصوص نحوه مواجهه با بیماری‌های واگیردار در گستره ملی و بین‌المللی، و همچنین افزایش دعاوی حقوقی بین اشخاص به تبیین و توجیه حقوقی و فقهی این بیماری و تعدیل قضایی قرارداد پرداخته شده است.

از آنجایی که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، احیاء حقوق عامه از جمله وظایف قوه قضاییه به شمار می‌آید و از آنجا که بهداشت عمومی از جمله مصادیق حقوق عامه محسوب می‌گردد، فلذا این امکان برای دادستان به عنوان مدعی العموم وجود دارد تا اقدامات تأمینی متناسب با وضعیت خاص دوران اضطرار را انجام دهند. بنابراین با توجه به اینکه کسب و کارها توسط دولت ممنوع شده است؛ با توجه به موانع قانونی ایجاد شده انحلال و فسخ قرارداد در ایام همه‌گیری بیماری کرونا توجهی ندارد؛ همچنین در مواردی که نوسانات اقتصادی و افزایش قیمت‌ها موجب برهم خوردن تعادل و توازن اقتصادی در قراردادها شود حضرات آیات؛ آیت الله سبحانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله علوی گرگانی که متن نامه‌ی این بزرگواران در پیوست درج شده است؛ حکم به تعدیل را صادر نموده‌اند. پس در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا با تمسک از ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی و همچنین فتوای معتبر و مبانی فقهی قضات می‌توانند حکم به تعدیل قضایی دهند.

در شرایط کنونی شیوع کرونا ویروس با توجه به اینکه در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شرایط فورس ماژور هنگام ایجاد (تورم، رکود، جنگ، تورم، بیماری و غیره) وجود دارد، پیشنهاد می‌شود بازه زمانی شیوع کرونا ویروس را به عنوان یکی از مصادیق موصوف به فورس ماژور، در قراردادهای منعقد میان دستگاه‌های اجرایی و مورد پذیرش قرار دهند تا موجب کاهش شدید اختلافات فی‌مابین صاحبان کسب و کار و دستگاه‌های اجرایی گردد و همچنین از تشکیل پرونده‌های متعدد در مراجع قضایی و سلیقه‌ای عمل کردن دستگاه‌های اجرایی جلوگیری شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- (۱) احمدی واستانی، عبدالغنی، ۱۳۶۳، مقاله شرح مختصر بیانیه های الجزایر، مجله حقوقی خدمات بین الملل، ش ۱.
- (۲) اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۸، مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا، ماهنامه دادرسی شماره ۱۳۸، سال بیست و سوم.
- (۳) الهامی‌نیک، مجید، ۱۳۸۴، تعدیل قرارداد و بررسی تطبیقی آن در فقه و مقررات قانونی، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد مرکز.
- (۴) امیری قائم مقامی، عبدالحمید، ۱۳۸۵، حقوق تعهدات، جلد ۲، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- (۵) بذرافشان و همکاران، امین، ۱۳۹۸، دستورالعمل عمومی‌پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید-۱۹، انتشارات مرکز بررسی استراتژی ریاست جمهوری.
- (۶) بنی یعقوب، جواد، ۱۳۸۸، فرهنگ واژگان و اصطلاحات حقوقی، اقتصادی و اداری (انگلیسی-فارسی)، جلد اول، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ دوم، تهران.
- (۷) بیگدلی، سعید، ۱۳۹۴، تعدیل قرارداد، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
- (۸) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۱، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، چاپ ۵، تهران.
- (۹) حسین آبادی، امیر، ۱۳۷۷، تعادل اقتصادی قرارداد، تحقیقاتی حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۱ و ۲۲، تهران.
- (۱۰) حیدری فرد، علی اکبر، ۱۳۹۶، تعدیل قرارداد توسط قاضی، تهران، انتشارات خرسندی.
- (۱۱) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، جلد چهارم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- (۱۲) شقایب، محمدرضا، ۱۳۷۶، بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- (۱۳) صادقی مقدم، محمد حسن، ۱۳۹۰، تغییردرشرایط قرارداد، چاپ سوم، نشر تهران.
- (۱۴) صفایی، سید حسین، ۱۳۸۹، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، قواعد عمومی قراردادها، چاپ دهم، تهران، نشر میزان.
- (۱۵) صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب‌الله، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ نهم، تهران، نشر سمت.
- (۱۶) طاهری، حبیب الله، ۱۴۱۸ق، حقوق مدنی، چاپ ششم، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۷) عباسلو، بختیار، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- (۱۸) عمید، حسن، ۱۳۸۶، فرهنگ عمید (فارسی)، جلد اول، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

- ۱۹) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، دوره مقدماتی حقوق مدنی عقود معین ج ۱ و ۲، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۲۰) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، جلد سوم، چاپ ششم، تهران.
- ۲۱) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، الزام های خارج از قرارداد، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دهم، تهران.
- ۲۲) کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، جلد چهارم، چاپ ششم، تهران.
- ۲۳) محقق داماد، سید مصطفی و حانیه ذاکری نیا، ۱۳۹۸، نظریه عمومی نفی دشواری حقوق اسلامی، نشر سخن، تهران.
- ۲۴) مزارعی، علی، ۱۳۹۴، تئوری عدم پیش بینی و تعدیل قرارداد، چاپ اول، تهران، مجد.
- ۲۵) حافظی قهستانی، محمد رضا؛ مقدری امیری، عباس و مرتضوی، عبدالحمید، ۱۴۰۰، تعدیل قرارداد در اثر نوسانات اقتصادی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال هفدهم، شماره شصت و پنج.

۲) منابع عربی

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی)، ۱۳۸۳، شرایع الاسلام، جلد اول، انتشارات استقلال.
- ۳) آخوندخراسانی، محمد کاظم، ۱۳۶۶، کفایه الاصول، ج ۲، موسسه آل بیت لاحیا التراث، قم.
- ۴) انصاری، مرتضی، ۱۴۲۰، مکاسب، ج ۱، چ هفتم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- ۵) انصاری، مرتضی، ۱۴۱۴، رسائل الفقهیه، مطبعه باقری، قم.
- ۶) طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر قم، چاپ دوم، انتشارات اسلامی.
- ۷) طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، ۵۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران.
- ۸) مازندرانی، محمدصالح، ۱۴۲۱ق، شرح اصول کافی، تحقیق میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح سید علی عاشوراء، جلد ۸، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۹) محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۰، قواعد فقه، ج دوم، چ دوم، قم، انتشارات سمت.

- (۱۰) محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۵، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
- (۱۱) محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۱، قواعد فقه (۴) بخش جزایی، چاپ بیست و چهارم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
- (۱۲) موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، قواعد فقیه، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران.
- (۱۳) موسوی بجنوردی، آیت الله سید محمد، ۱۳۹۲، قواعد الفقیه، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ سوم، تهران.
- (۱۴) موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۴۳ (۱۳۸۵ق)، الرسائل، نشر موسسه اسماعیلیان، قم، جلد اول، چاپ اول.